

گزارشی از یک اتفاق عجیب؛ تابلوی ۲۲ میلیاردی جعلی از آب درآمد

رسوایی در حراج تهران



محمدحسین سلطانی میرنگار

به خانمی که کارشناس میراث فرهنگی است و شناختی از پرونده حراج تهران دارد، اصرار می‌کنم اجازه بدهد نامش را در گزارش درج کنم. او سال‌هاست که نامش با آثار دوران صفوی و نقاش مشهور آن دوران، رضا عباسی، گره خورده. اطلاعاتش مهم است. زیر بار نمی‌رود و می‌گوید: «بزنید به نقل از منبع آگاه... بگویید منبع آگاه می‌گوید تابلوی رضا عباسی

که در حراج تهران به حراج گذاشته شده بود اصل نیست... پرونده تابلو هنوز در میراث فرهنگی در جریان است.» نگاره ۲۲ میلیاردی رضا عباسی که در حراج بهمن ماه تهران فروخته شد، همه را در یک سؤال مهم گذاشت، چطور می‌شود یک اثر از مجموعه آثار مهم‌ترین نقاش صفویه در حراجی فروخته شود؟ پس میراث این وسط چه کاره است؟ اگر این‌طور باشد که میدان نقش جهان را هم برداریم بفروشیم! اما همه این سؤالات قبل از نگاه به نگاره بود. اثریک مشکل عجیب دارد. رضا عباسی سال قمری ۱۰۴۴ فوت کرده اما روی تابلوی

دختر نشسته عباسی مرقوم شده: «در سنه (سال) ۱۰۴۹ قمری به پایان رسید.» این یعنی نگاره «دختر نشسته» ۵ سال پس از فوت رضا عباسی تمام شده! حالا چهار ماه از آن اتفاقات گذشته و منبع آگاه‌کارمند میراث فرهنگی ما می‌گوید، تابلو تقلبی بوده. با این تفاسیر سرنوشت حراج تهران چه می‌شود؟ آیا دختر نشسته حراجی را به باد می‌دهد؟ آن کسی که تابلو را از حراجی خریده چه برایش رخ می‌دهد؟ تقریباً بعد از ظهر همان روزی که این اخبار را گرفتیم، اسامی آثار حراجی خردامه‌ها تهران منتشر می‌شود.

نکته جالب اینجاست که دیگر خبری از آثار صفویه و قاجاریه نیست. حراجی تهران تغییر استراتژی می‌دهد و ناگهان دوباره می‌رود سراغ آثار معاصر. چطور؟ یعنی چه اتفاقی افتاده؟ پای توییخی وسط است؟ پرونده باز نگاره دختر نشسته اوضاع را به اینجا کشانده؟ حراجی پاسخی نمی‌دهد. میراث فرهنگی هم رسماً پاسخی نمی‌دهد و رسانه‌ها را می‌فرستند به سراغ منابع آگاه. دلایل این اتفاقات را که از همان منبع آگاه می‌پرسیم جواب می‌دهد: «حقیقتش را بخواهید جامعه چندان تحمل برخی از موضوعات را ندارد!»



نگاره دختر نشسته که پنج سال پس از فوت رضا عباسی کشیده شده



مجسمه تقلبی زن نشسته



تابلوی حسین زنده‌رودی که با حدود ۱۴ میلیارد تومان گران‌ترین تابلوی حراجی تهران شد

تاریخی‌ها نبودند، ضرر کردید

به هر ترتیب حراج بیست‌وسوم تهران برگزار می‌شود. مجموع فروش از حدود ۲۲۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان می‌رسد به ۱۷۴ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان یعنی حدود ۵۰ میلیارد تومان کل حجم فروش حراجی کم می‌شود. میزان سود نمایشگاه هم از حدود ۲۲ میلیارد به حدود ۱۶ میلیارد تومان می‌رسد و حراجی بیش از ۶ میلیارد ضرر می‌بیند. حتی در نسبت با حراجی تیرماه گذشته هم مجموع فروش ۲۰ میلیارد کاهش پیدا کرده است. و پرفروش‌ترین اثر دور قبلی حراجی مربوط به همان نگاره رضا عباسی بود با قیمت حدود ۲۲ میلیارد تومان و حالا گران‌ترین اثر بیست‌وسومین حراجی تابلوی اندام اثر حسین زنده‌رودی

است که با ۱۳ میلیارد تومان شخصی برنده مزایده‌اش می‌شود. البته اثر زنده‌رودی هم از جهاتی جالب توجه است؛ همین تابلو حدود دو سال قبل و با برآورد قیمت ۱۱ تا ۱۳ میلیارد تومان در حراجی شرکت می‌کند و کسی آن را نمی‌خرد، حتی حدود ۶ سال قبل‌تر هم تابلو در حراجی کریسس‌تیز دویب شرکت می‌کند و باز هم خریداری ندارد. نکته جالب توجه اینجاست که تابلوی اندام زنده‌رودی ۲ سال قبل حدود ۱۳ میلیارد قیمت می‌خورد (قیمت دلار در آن زمان حدود ۵۰ هزار تومان است) و دو سال بعد با دلار ۸۰ هزار تومانی باز هم با همان قیمت به فروش می‌رسد. این یعنی بازار فروش آثار هنری عملاً با یک بن‌بست جدی

وقتی یک موزه‌دار از جعل می‌گوید

یا قاجاق کشف و ضبط شده و به این نمایشگاه منتقل شده‌اند. بر اساس آماری که در این نمایشگاه ارائه شده تنها در سال ۱۴۰۳، حراست میراث فرهنگی فقط ۳۱۲۹۴ مورد آثار تقلبی تاریخی را کشف و ضبط کرده و این آمار در سال ۱۴۰۲ به حدود ۸۵ هزار مورد و در سال ۱۴۰۱ حدود ۱۲ هزار مورد بوده است. نجفی می‌گوید: «در حال حاضر، ۱۲۰ اثر در نمایشگاه وجود دارد و این نمایشگاه صرفاً برای تهرار برگزار شده است. این

آثار منتخب هستند؛ به این معنا که اشیای بسیار بیشتری کشف شده‌اند. کشفیات بسیار گسترده بوده و در میان آن‌ها، مجموعه‌ای به‌عنوان منتخب و بر اساس مطالعات کارشناسان اداره کل موزه‌ها انتخاب و برای نمایش آماده شده‌اند. تمام این آثار قابلیت مطالعه، بررسی، برگزاری نشست‌های تخصصی و تحقیق دارند. این امکان وجود دارد که بررسی شود این آثار چگونه تولید شده‌اند، منشأ و سرچشمه تولید آن‌ها چیست و چه نوع افکار و

جریان‌هایی در پشت این تولیدات قرار دارد. با وجود آن‌که این آثار متعلق به موزه نیستند، اما به هر حال، به نحوی به میراث فرهنگی مرتبط هستند، حتی اگر به صورت تخصصی جعل شده باشند. می‌توان گفت رشت‌های نادیدنی مسیان این آثار و میراث فرهنگی وجود دارد که ضرورت مطالعه از زوایای گوناگون را ایجاد می‌کند. همین بررسی‌ها می‌توانند به ریشه‌یابی و حتی تصمیم‌گیری‌های بنیادین در خصوص مقابله با این پدیده‌ها منجر شوند.»

از نگاره زن نشسته تا مجسمه دختر نشسته همه جعلی است؟!

میراث فرهنگی در نهایت کشور ایران هستند. ما نمی‌توانیم تصور کنیم که مثلاً من اثری را از موزه رضا عباسی بردارم و بدون هیچ اتفاقی، آن را در بازار بفروشم. اصلاً چنین چیزی بسیار خنده‌دار است و اتفاق نمی‌افتد. به هر حال، آثار تاریخی در دنیا قوانین خاص خود را دارند و کشورها قراردادهایی با یکدیگر دارند که اگر چنین اتفاقی رخ دهد، پلیس بین‌الملل و پلیس‌های کشورهای مختلف همکاری می‌کنند تا اثر به کشور مبدأ بازگردد.

این البته زمانی است که اثر ربوده شده باشد. آثاری که به این شکل در بازار دیده می‌شوند، بعید نیست که جزء آثار بدلی باشند که از روی اصل تولید شده‌اند و با عنوان اصل، خرید و فروش می‌شوند.»

نظر‌های خود را ارائه می‌دهند و در نهایت به تصمیم واحدی می‌رسند. در این‌جا نیز برای تعیین اصالت یک شی، چندین کارشناس از حوزه‌های مختلف باید با هم گفت‌وگو کرده و از طریق آزمایش‌های تخصصی و بررسی‌های تاریخی و آزمایشگاهی به نتیجه‌نهایی برسند. در نهایت است که می‌توان نظر داد این شی اصل است یا بدل. از نجفی درباره اثر رضا عباسی هم می‌پرسم. تنها جوابی که می‌دهد این است که رضا عباسی در سال ۱۰۴۴ فوت شده! از نجفی درباره این می‌پرسم که ممکن است یک شی یا حتی نگاره از موزه یا مجموعه رسمی مملکت برداشته شود و به فروش برسد؟ اگر چنینی اتفاقی بیفتد چه می‌شود؟ او جواب می‌دهد: «در حقیقت آثاری که در موزه نگهداری می‌شوند، متعلق به آن موزه،

جاعلان تخیل‌گرا یا جاعلان تقلیدگرا!!

یکی از نکاتی که در میان آثار نمایشگاه آثار مکشوفه میراث هم پیداست دقیقاً همین نکته است. بسیاری از آثاری که کشف و ضبط شده‌اند یک نمونه مشابه دارند که از روی آن‌ها تقلید شده. کما اینکه نگاره دختر نشسته رضا عباسی هم شباهت بسیاری با نگاره‌های اصل دختری که با انگشتانش می‌شمارد و دختری که به آینه نگاه می‌کند دارد. اتفاقاً یکی از شباهت‌هایی هم که در مورد گران‌ترین اثر حراجی بیست‌ودوم مطرح شد، دقیقاً سر تفاوت‌های همین چند اثر بود. در نگاره دختری که به آینه نگاه می‌کند، ظرافت چگونگی گرفتن آینه در دست توسط دختر (شاهدخت صفوی) کاملاً هویداست و این ظرافت در انگشتان دختری که در آینه نگاه می‌کند هم تکرار شده، با این حال در نگاره دختر نشسته دست‌چپ دختر انگار عنصری زاید در بدن دختر است و گویا از مع قطع شده. همین موضوع باعث شد برخی از متخصصان آثار رضا عباسی به‌اثر شک کنند و ماجرای اثر ۲۲ میلیاردی منسوب به رضا عباسی در شک و شبهه قرار بگیرد. درباره مجسمه زن نشسته هم دقیقاً همین موضوع صدق می‌کند با این تفاوت که این اثر مشابه دیگری ندارد و دوره تاریخی که به آن منسوب بوده مربوط به

۲۰۰۰ سال قبل است. البته با توجه به ظرافت کار صورت گرفته روی این مجسمه جعلی، کارشناسان میراث قیمت آن را حدود ۱۰ میلیارد تومان برآورد کرده‌اند که در نوع خود جالب توجه است. از نجفی درباره منشأ این جعل‌ها می‌پرسم و اینکه چنین آثاری اصلاً از کجا سر در می‌آورند؟ مدیر موزه رضا عباسی پاسخ می‌دهد: «یکی از چالش‌های مهم در حوزه میراث فرهنگی، عدم امکان شناسایی دقیق منشأ برخی آثار مکشوفه است. پرسش اصلی این است که آیا آن ۱۰ درصد آثاری که در میان اشیای کشف‌شده اصیل تلقی می‌شوند، خود جزء آثار مسروقه‌اند یا صرفاً مکشوفه‌اند؟ پاسخ روشن نیست؛ چراکه بسیاری از این آثار ممکن است در حفاری‌های غیر مجاز به دست آمده باشند، نکته مهم اینجاست که مشخص نیست چند درصد این آثار دقیقاً از کجا آمده‌اند. یکی از مشکلات اصلی در این زمینه همین عدم قطعیت است. اگر شیئی توسط یک باستان‌شناس متخصص، با تیمی علمی و به‌روش اصولی از دل خاک بیرون آورده شود، در همان لحظه کشف، اطلاعات بسیار ارزشمندی به‌دست می‌آید. نحوه قرارگیری شیء، لایه‌های اطراف آن، مواد همراه و موقعیت جغرافیایی‌اش

همگی داده‌هایی هستند که به ما کمک می‌کنند تا برای آن شیء، شناسنامه علمی و مستند صادر کنیم. اما وقتی یک اثر به‌صورت غیرقانونی، بدون حضور متخصص و صرفاً با نیت مالی کشف و وارد بازار می‌شود، اطلاعات زمینه‌ای آن از بین می‌رود و عملاً بخش بزرگی از ارزش مطالعاتی خود را از دست می‌دهد. این آثار، علاوه بر آسیب به بافت تاریخی و فرهنگی، در فرایند استخراج نیز دچار آسیب‌های فیزیکی می‌شوند. وقتی اشیای تاریخی، که سال‌ها زیر خاک مانده‌اند، بدون مراقبت علمی بیرون آورده می‌شوند، نیاز به فرایندهای مرمتی و حفاظتی دارند تا بتوان آن‌ها را نگه‌داشت، ثبت کرد و در صورت امکان، به نمایش گذاشت. این اشیای نباید مستقیم وارد موزه شوند؛ بلکه باید مراحل تخصصی قرنطینه، بررسی آزمایشگاهی و احیاناً مرمت را طی کنند. در حال حاضر، بسیاری از آثاری که در نمایشگاه‌ها به نمایش گذاشته می‌شوند، از نظر ساختار، فرم و کارکرد مشابه آثار موجود در موزه‌های رسمی هستند و بر همین اساس می‌توان در مورد آن‌ها اظهار نظر تخصصی کرد. اما اگر اثری خاص و ناشناخته باشد، بررسی دقیق‌تری لازم است تا بتوان تشخیص داد

منشأ آن کجاست، در چه ساختاری کار برد داشته و چه قدمت دارد.» دقیقاً همین موضوع به باعث شده آثاری همچون مجسمه زن نشسته چند ماهی مورد بررسی قرار بگیرد و حتی به موزه فرش هم برده شود. با این حال هنوز درباره نگاره رضا عباسی ابهام وجود دارد. میراث فرهنگی در همان زمان درباره حضور نمایندگانش در حراجی بهمن ماه (حراجی‌ای که نگاره دختر نشسته در آن فروخته شد) ابزا بی‌اطلاعی کرد و چند بیانیه میان میراث و حراجی رد و بدل شد با این حال هنوز مشخص نیست چرا میراث فرهنگی اقتدر در بیان آنکه حراجی تهران یک اثر جعلی فروخته یا نه در سکوت است و نمی‌خواهد حرفی را به میان بیاورد؟ اگر آن‌طور که کارشناسان میراث می‌گویند دختر نشسته اثری جعلی است؛ چرا حراجی تهران در این باره پاسخی نمی‌دهد؟ آیا نباید آثار جعلی حراجی تهران هم به موزه رضا عباسی بروند و به عنوان موارد جعل موفق در معرض عموم قرار بگیرند؟ پیش از همه این‌ها باید دید آیا دختر نشسته آیا به حراج تهران مرجوع می‌شود یا قرار است برای همیشه این موضوع سر بسته باقی‌ماند؟